

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۹ آذر ۹۴

خطبه‌ی ۲۸ صفر

سلام بر خالق زمان، پروردگار عالم‌های ده‌گانه، خالق جانی مطهر، منور به وحی الهی، خاتمه دهنده‌ی رسالت رسولان، آغاز حیاتی که با نامش شکل گرفت. او که بود؟ خانه‌اش در میان مردم همانند سایر افراد جامعه نزدیک به مکه‌ی مکرمه نور افشانی می‌نمود. غیب عالم در تپش انتظار می‌سوخت تا لحظه‌ی موعود فرا رسد. درونش را به نمایش گذارد و همگان را از عظمتی آگاه سازد که هر روز در کنارشان در حرکت بود. لحظه‌ی موعود فرا رسید. ای منتظران او را بشناسید؛ او رحمت واسعه‌ی پروردگارتان است. همان نعمت بی‌پایانی که همواره در کنارتان می‌زیست و شما از درکش عاجز بودید. افسوس بر ذلتی که همواره به همراه انسان است هر چند رحمت پروردگارش آن را به عزت تبدیل می‌کند او خواری و بیچارگی را بر می‌گزیند همانند امتی که در شناخت پیامبرش به تاریخ تکیه می‌کند تا قلم انسان صفحاتی را به نام مبارکش بنگارد و او را در صفت‌هایی معرفی کند که توان عقلش مددش نموده درحالی‌که پروردگارش در کتاب آسمانی قرآن کریم می‌فرماید: او رحمت بی‌منتهای من است؛ نامش زنده کننده‌ی حق و نابود کننده‌ی باطل درون‌هایی است که او را بخوانند.

خورشید بیست و هشتم صفر سال ۱۱ هجری به بستر پیامبری می‌تابد که بار سفری ملکوتی را آماده نموده. زمین پروردگارش را می‌خواند: بار ای خالقم، از تو سپاسگزارم که جان مطهرش را به آغوشم می‌سپاری. آسمان می‌خندد. فرشتگان در جشن و سروری عاشقانه منتظرند. چه روزی است که ساعت از چرخیدن امتناع می‌ورزد. چه ثروتی قرار است به دل خاک برود! زمان، شب و روز را تمام شده فرض می‌کند. بله او رفت و تاریکی و ظلمت جهل به جان‌هایی بازگشت که عمری از نور وجودش افروخته بودند. شیطان کار امتش را پایان یافته تصور کرد زیرا ذلت نفس یاران و اصحاب نزدیکش را در وسوسه‌ی نفس اماره می‌دید. اینک زمان چهره‌هایی را آشکار کرده که همگان توان درکش را دارند. وای بر رسوایی جانی که مدعی نام مسلمانی است درحالی‌که پرده‌ی اطاعت الهی را می‌درد و به آنچه پیامبر وجودش امر می‌کند گردن اطاعت خم می‌کند؛

به صفحه‌ی زمان می‌آید؛ عمری را می‌گذرانند به امید عملی که همانند گذشتگان جز به سود خودش نبوده پس به دنبال نفسی به حرکت در می‌آید که نام مطهرش را وسیله‌ی رسیدن به اهداف خویش می‌دانند.

اینک سال‌ها از آن روز حزن انگیز می‌گذرد. صدای هدایت حق در حنجره‌ی با برکت آخرین وصی‌اش طنین انداز است: من می‌آیم تا شما امت جدم را از ضلالتی که به آن مبتلا شده‌اید برهانم. ناامیدی را در جانتان دفن کنید تا مجدداً نور هدایت در آن شکوفا شود.

به لحظه‌ای که شنونده‌ی این خطابه هستید بیندیشید؛ کیست که شما را مورد خطاب قرار می‌دهد؟ پس درحالی‌که شما او را نمی‌بینید او شما را می‌بیند؛ مراقب باشید با سوداگران امروز نروید. امروز روز ماندن و یا رفتن است پس با دخت پیامبران بمانید و آن جان مطهر را مورد خطاب قرار بدهید و بگویید: ای پیامبرم، من هدایت را با دنیای فانی معاوضه نمی‌کنم پس می‌مانم تا او را بخوانم و جانم را با نام با برکتش از جهل برهانم.

اللهم عجل لولیک الفرج